



باریک‌الله شیخ حسن!

نویسنده
حسن یوسفیان



انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری مراکز استانی / استان قم



باریک الله شیخ حسن!

نویسنده: حسن یوسفیان

طراح جلد: امیر نجفی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه
چاپ اول: ۱۳۹۷
شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۲۲۰۳-۸
نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

بر شناسه: یوسفیان، حسن، ۱۳۴۷ -
عنوان: مپیدآور: باریک الله شیخ حسن / نویسنده: حسن
ی. حیان
مشخصه: نشر: تهران: دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری
مرا: استانی: تان: ۱۳۹۷.
مشخصه: طاهری: ۸: اص

ISBN: 978-600-03-2203-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: یوسفیان، حسن، ۱۳۴۷ - خامه

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۹۰ - خامهات

موضوع: Personal - 1980-1988 - Iran, Iraq
narratives

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۳۹۷/۱۶۲۹

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳-۹۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۱۰۹۹۸۸

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۹۴۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

فصل نهم: عملیات بیت المقدس دو	۲۵۴
فصل دهم: عملیات بیت المقدس سه	۲۹۲
فصل یازدهم: عملیات بیت المقدس شش	۳۳۸
فصل دوازدهم: عملیات مرصاد	۳۸۲
عکس‌ها	۴۱۶
نمایه	۴۳۶
فهرست تفصیلی	۴۵۶
فصل اول: تواد تا حضور در جبهه	۰۱۲
فصل دوم: عملیات والفجر سه	۰۳۲
فصل سوم: در حسرت عملیات	۰۶۰
فصل چهارم: عملیات والفجر هشت	۱۰۴
فصل پنجم: پاتک مهر از	۱۳۲
فصل ششم: عملیات کربلای چهارم	۱۶۰
فصل هفتم: عملیات کربلای پنج	۱۹۶
فصل هشتم: عملیات نصر هشت	۲۲۸

۰۰۸

نویسنده این سطور سال‌هاست که در عرصه دین - و به صورت خاص، در زمینه مباحث اعتقادی - قلم می‌نویسد و نیک می‌داند که در خاطره نویسی باید قلمش را عوض کند. این کار بر چنان دشوار است، ناممکن نیست. به هر حال، در آغاز خواننده را به چند نکته توجه می‌دهم:

۱. یادداشت‌های اصلی این نوشتار در زمانی فراهم آمده‌اند که نویسنده هنوز از متن حوادث فاصله چندانی نگرفته بود. حتی بخش‌هایی از آن، یعنی دو فصل آخر، در اصل به صورت خاطرات روزانه بوده است. اکنون، پس از گذشت حدود سی سال، فرصتی برای بازنویسی خاطرات و انتشار آن‌ها فراهم آمده است؛ در حالی که بسیاری

۱. نام برخی از آثاری که از این قلم به صورت کتاب منتشر شده‌اند چنین است: پژوهشی در عصمت معصومان؛ خردورزی و دین‌باوری؛ عقل و وحی؛ پرسمان عصمت؛ نیاز به دین؛ مبانی اندیشه اسلامی؛ خرقه می‌آلود؛ دوگانگی حقیقت از دیدگاه ابن رشد و ابن رشدیان؛ کلام جدید؛ و کلام اسلامی (شرحی بر کشف المراد).

از جزئیات حوادث برای نویسنده آن‌ها نیز تازگی دارد؛ زیرا گذشت زمان قلم‌محو بر آن‌ها کشیده یا جز تصویری مبهم باقی نگذاشته است.

۲. برخلاف بسیاری از خاطره‌نگاری‌های معمول، فصل‌های این نوشتار را به عناوینی جزئی‌تر تقسیم کرده‌ام تا دست‌یابی به مطالب آن آسان‌تر باشد.^۱ محور اصلی اغلب فصول نیز یکی از عملیات‌های دفاع مقدس است. البته، حجمی که به یک فصل - و در نتیجه، یک عملیات - اختصاص یافته متناسب با کم‌رنگ یا پُررنگ بودن حضور نویسنده است نه کوچکی یا بزرگی آن عملیات.

۳. برخی از افرادی که در این نوشتار نامی از آن‌ها به میان آورده و از خدمات‌شان گفتم امروزه کم‌وبیش از آرمان‌های انقلاب و دفاع مقدس غافل شده‌اند. در عین حال، تلاش کرده‌ام آن‌ها را بدان‌گونه توصیف کنم که بودند؛ نه آن‌گونه که هستند یا به نظر می‌آیند.

۴. در برخی از فصول، گزیده‌ای از نامه‌های مربوط به آن دوره زمانی را، بدون هیچ‌گونه تصرف یا ویرایشی، آورده‌ام تا خواننده تا اندازه‌ای در فضای فکری آن زمان فرار گیرد و در جهان ذهنی نویسنده و هم‌زمان و بستگانش قدم گذارد.

۵. هر رزمنده‌ای آنچه را دیده است در منظر محدود خود روایت می‌کند. بر این اساس، ممکن است خاطراتی، مثلاً بیانگر شکست و عقب‌نشینی است به عملیاتی مربوط باشد که در نگاه کلان، عملیاتی بسیار موفق بوده است. همچنین، نیروهای وابسته به یگان‌های خاص، معمولاً فعالیت‌های تیپ و لشکرهای دیگر را کمتر می‌بینند؛ و بی‌آنکه تعمدی در کار باشد، خدمات آنان را نادیده می‌گیرند. این مسئله گاه به پیدایش تناقضاتی می‌انجامد که حیرت خوانندگان را در پی دارد. حتی من که، به دلیل حضور در واحد اطلاعات و عملیات، از جزئیات کار خودمان و یگان‌های دیگر تا اندازه‌ای زیادی مطلع بودم، گاه بسیار

۱. این کار البته دشواری‌های خاص خود را دارد که فعلاً نیازی به شرح و بسط آن‌ها نمی‌بینم.

تعجب می‌کنم که چگونه رزمندگان فلان شهر فتح فلان ارتفاع را به نام خود ثبت کرده‌اند؛ در حالی که من پیش از این تصور می‌کردم سهم یگان‌های دیگر در فتح این منطقه بسیار ناچیز بوده است. به هر حال، مقصود اصلی در اینجا توجه دادن به محدودیت‌های انسانی است نه جست‌وجوی نام و نشان و گلایه از این و آن. اگر خدای ناکرده در این عرصه در پی نام باشیم، بهتر که نباشیم؛ به‌ویژه که ما خود را وارثان شهیدانی می‌دانیم که نام را در بی‌نامی می‌جستند.

۶. نام کتاب، برگرفته از خاطره‌ای مربوط به عملیات والفجر هشت است که شرح آن در فصل چهارم آمده است. شاید کسانی انتخاب این عنوان را به من عیب بگیرند و آن را به این معنا بدانند که نویسنده (هرچند از زبان میسران) به خود آفرین گفته است! گیرم که چنین باشد، مخاطب این آفرین شیخ حسن سی سال پیش است که دکتر کنونی به حالش غبطه می‌خورد. البته با خواندن آن خاطره معلوم خواهد شد که حتی در آن زمان هم گوینده «باریک‌الله شیخ حسن!» به مراتب بیش از خود شیخ حسن سزاوار تحسین و آفرین بوده است.

۷. بر خود لازم می‌دانم از همه کسانی که پیش از انتشار کتاب نکات ارزشمندی را برای اصلاح آن یادآوری کردند تشکر کنم؛ به‌ویژه رئیس حوزه هنری استان قم، مجدالدین معلمی، و دوست هم‌رزم و جانبازم، سیدمرتضی کسائی.